

(لهی سیس ترا توی) که پادشاه آتن جمی از داشتمان عصر را حقوق نگرفتی و او که با آسوده تکی خاطر منظومات هنر را اندوین و تنظیم نمایند و این منظومات مدون که اگرتو نبع رسیده است نتیجه هست عالی آن شهردار فضیلت دوست میباشد از جمله حافظین و رواد اشعار و داستان ها در قرون قدیم طائمه ای از ادباء یونان بود که همت خود را صرف تفییج اشعار عصر نموده و اشعار غیرگران را از همان آن منظومات بیرون کرده و نتیجه از حمت خود را برای احلاف به پادشاه را فراموش نموده و میباشد که مجمع «افتاد نفری» در زمان «طایپوس فیلانتف» در قتل توپان از عربی یهو آنی داشت عدهه خود را «حال عذابی» که برای تفییج منظومات عصر حمت گرفته از هفت نهر ادب و داشتمان بوسن سکلیل «هه بود

طبقه عالیه هم منظومات عصر را در یونان دارد
شیوه ای از دار تحریث عزم و همت خواه میخواهد
و عدیجه ایکه در ایران اندوخت فرموده سیم و سی هزار عدو
مرشد کجا پیش حفظ نموده و در حضرت دارالله فردوس همچو
حفظ منظومات عصر است بیکدیگر را بآب نموده و خرافت
از آن کسی بود که بخلاف خواسته بنشتی بوده شاهزاده
این معاشر این است که گزین دانس-سرشار بوسن که مشغول
اصحاب بوده اندیش او را مورد نوبت و نکوهش فرار
داشت بهترین که نگیرد خود را از دیرای ایکه نسخه عصر
از ده بو سوچرد نبود و در آن یونان این کار که دلخیزی

و سمول هش کرده آند مورخین قبل از استرایون نیز در
اینچهوس با وی موافقت دارند
او سطلو بقدیم فریاده و مجدوب فکر و بیان هم
گردیده است که نسب او را با پاپ انواع می رساند و
میگویند : طالعه ای از عزدان دریانی از بیر در آنکه
مهاجرت یونانی ها دختری را اسیر گردید که از یکی از
ارباب انواع آبستن بود و قبیله اورا شهر آوردند و آن
دختر زائید مولودش هم بود
اسکندر شاگرد هوشیز ارسلو بمعظمه منظومات
هم سیار علاوه نداشت و نسخه ای از آن را استباح
گرد که اشت دش آن را تنبیح نمود و در تمام ساقرات
های خود نسخه مذکور را همراه داشت و خود مرصع
را که از جمیع عذایم ایران بود جلد و محفظه آن قرار
داده بود و همواره در تحقیق ها و بیاناتش اشاره هم را
نمایند و بیورد
نهاده و مفهنه بونل زحمدت مسافت را برای جمع
گردن آنها و نظر بر آنها هم در خود هم وارد نموده و در تهدیه
اخلاقی و نظام اجتماع و نهادی قوانین نکار می برده و
سلامه خبر آنهاش در راه این مقصود بدل مل و منع
می کرده
در زمانه این مفهنه ایکورک ۱۱ در ابیوشو
سونی ۱۲ در آن میباشد

(۱) *Lymurgus* — کویند در قرن نهم قبل از مسیح میلادی (۲) *Sabot* از ۵۵۰ و ۵۶۸ قبل از مسیح زندگی کرده است

(اللی سین نژاد تووس) پادشاه آن بن جسی از دانشمندان عصر را حقوق گزارانی دارد که با آسودگی خاطر مظلومات هم را تدوین و تنظیم نمایند و این مظلومات مذوون که آنکو ن بدم و سپاه است نتیجه هست عالی آن شهر باز فضیلت دوست بیشتر از جمله حافظین و روشناء اشعار و دانشمندان ها در فروزن خدیم طائفه ای از ادبیه یونان بودند که هست مقوم را صرف تفريح اشعار سر شوسم و اغطرز دیگر آن را از میان آن مظلومات بیرون گردید و نتیجه از هست خود را برای اخلاق به پادگار باقی نگذاشتند. همچنانکه مجمع «فقوه فرقی» در زمان «بطیموس الیلاذف» در نقل توران از عبری یوئانی بدل چهد نمودند. طائفه ای که برای نتفیح مظلومات هم راست گشایشده از هفتاد نفر ادب و دانشمندان یونان تشکیل یافته بود

طبیله عالم هم مظلومات هم را در جشن ها و خیافت ها و در تحریک عزم و هست جوانها میخواستند و همچنانکه در ایران آنها فردوسی و سعدی را عموم مردم کما پیش حفظ نموده و در خاطر دارندند. همچو در حفظ مظلومات هم راست بسکتبکرد قابض اخوده و شرالت از آن کسی بود که محفوظاتش بشتر بوده پائند شاهد این مطلب این است که کیمیادنی سردار یونانی که متداول تحقیق بود استدعا او را هوزه توبیخ و نکوشش فرار داد مادرزاده ای که شگرد خود را زده برای اینکه نسخه هم ترد او موجوده نبود و در آن فرن این کار گنجانه غلطی

(۴)

و همول گش کرده اند سودخین قبل از استراحت فیزیک
آنچه مخصوص با وی موافقت دارند
او سطوط بقدیری غرفته و سجدوب فکر و بیان هم
گردیده است که نسب او را باز باز انواع می رساند و
میگویند : طالله ای از دلایل دروغاتی از همین در اتفاق
نهایت بوقایی ها دختری را اسیر کرده است که از یکی از
از بیض انواع آبستن بود و یکی که اورا بشهر آوردند و آن
دختر زائید مولودش هم بود
اسکنندو ها گردد هوشیار ارسسطو بمعاذله منظومات
هم بسیار علاوه می بود و نسخه ای از آن را استنساخ
گرد که اسنا دش آن را تفییج شده و در تمام مسائل
های حوده نسخه مذکور را همراه داشت و خود موصم
وا که از جمله خانم ایران بود جلد و محفظه آن دروار
دانه بود و همواره در احوال ها و بیاناتش اشعار هم را
شند و بنوره
نهاده و حقشین بوقایی رزخونیات میگرفت را برای جمع
گردن اشعار و نظر بر این هم را خود همراه می نموده و دریند بیب
احوالق و نظمی اجتماع و بنای قوانین بکار می بردند و
سلطین خیر اندیشه در راه این مقصود بدل حال و موضع
می کردند
در زمرة این مقنون لیکوریک (۱) هر اسباب تو
سویون (۲) در آنی میباشد

(۱) *Iguryue* - گویند در قرن نهم قبل از مسیح میرسنه *Sohim* (۲) از ۶۴۰ تا ۵۵۰ قبل از مسیح زندگانی کرده است

(تلی سیس ترا خوس) هاد هاه آن من جمی از
دانشمندان عصر را حقوق گزاری داد که با آسودگی
خاطر مظلومات هم را ندوین و تنظیم نمایند و این
مظلومات مدون که آکتوون بما رسیده است تبیجه هست
عالی آن شهریار قضیات دوست بیشتر از جمهور حافظین
و رواة اشعار و شاعران ها در فرون قدری طرفه ای از
آدماء بودن بودند که هست خود را سرف تنقیح اشعار
هم نموده و اشعار دیگر ان را از میان آن مظلومات
پیرون گردید و تبیجه از هست خود را درای احلاف به
بلدگار بقی گذاشتند . همچنانکه مجمع «الطباطبی نفری»
در زمان «بطایموس ایلاطف» در غل نوراء از عربی
بیولنی بدل چند نمودند ، طائفه ای که در ای تنقیح
مظلومات هم هست گماشتند از هفتاد هر ادب و دانشمندان
بودن تشکیل بده بود

طبقه عالم هم مظلومات هم را در حسن و
عیان و در تحریک عزم و هست جواهه میخواند و
و همچنانکه در ایران اکثر فردوسی و سعدی در عموم
مردم که بیش حفظ نموده و در حد طبع دارند وند هم در
حفظ مظلومات هم نسبت بیکدیگر را بست نموده و شرافت
از آن کسی نمود که بجهو خانش بخت نمود بشد به هد
این مطلب این است که گردد انس سردار بونی که مشغول
«عین» نمود امنیت او را بوره بوبین و تکوہش فرمد
داد پذیره ای که گرد خود را لذت برانی ایکه شیخ اهل
قرد او موجود نبود و در آن قرن این کار گذره عظیمی